



مشاوران آموزش

ناشر تخصصی دروس عمومی و علوم انسانی

کتاب  
برای  
پرکاری  
تست



مجموعه کتاب‌های

تست

فارسی یازدهم

تست و آزمون تشریحی + پاسخنامه کاملاً تشریحی + درسنامه

[ مهدی کرانی ]

# مقدمه

«پشمینه پوش تندخو از عشق نشنیدست بو / از مستیش رمزی بگو تا ترک هشیاری کند»  
سخن این است که ادبیات، هنر زیبا سخن گفتن است و درک آن هوشی بالاتر از هوش ظاهر می‌خواهد که بی‌جا نیست «هوش ادبی» بنامیم‌اش.

ادبیات آن‌گونه که عده‌ای می‌نمایند، اکوان دیو نیست که نیاز به جنگ با آن باشد. ادبیات شهودی است که از سخن سعدی می‌ریزد و رازیست که در کلام حافظ نهفته است. ادبیات عشقی است که فردوسی آن را نثار وطن می‌کند. درک این همه زیبایی و عشق، «هوش ادبی» می‌خواهد.

از ادبیات باید لذت برد، حتی اگر بحث مدرسه و قیل و قال کنکور باشد. راه رسیدن به این لذت، درک مفاهیم ادبی و بهره‌بردن از آموزه‌های درست و البته هوش ادبی است؛ نه طلسمات و جادوهای که هرزآموزان (به گفته استاد سبطی) می‌فروشند.

«هوش ادبی» روش نیست که آموختنی باشد. این هوش همانند استعدادهای دیگر انسان، ذاتی است و در سرشت همه ما نهفته است، فقط باید آن را تقویت کنیم.

با این دیدگاه، کتابی برای شما تألیف کردیم که می‌کوشد در مسیری گام بردارد که یکی از مقاصد آن، تقویت هوش ادبی شماست. باشد که با بهره‌بردن از پیشنهادهای و انتقادهای شما معلمان و دانش‌آموزان عزیز، هر بار موفق‌تر از پیش این مسیر را بیماییم.

## در این کتاب:

۱. در سنامه‌ها طبق تقسیم‌بندی کتاب درسی در سه «قلمرو» نوشته شد. پس هر متن از سه زاویه فکری، زبانی و ادبی بررسی شده است.
۲. سعی شد که در سنامه‌ها قربانی نکته‌های اضافی و جدول‌سازی‌های کنکوری نشوند. برای همین در سنامه‌ها تا حد ممکن جامع و مفصل است.
۳. تلاش کردیم که هر مطلب زبانی یا ادبی را هم در در سنامه‌ها و هم در پاسخ تست‌ها با دلیل ذکر کنیم؛ نه گزارش دهیم و در شرح آن حساست کنیم.
۴. «واژه‌های مهم املائی» در پایان هر درس در قالب یک تمرین مشخص شد.
۵. بعد از معرفی هر مطلب جدید (آرایه‌ها یا نکات زبانی) در در سنامه، تمرینی برای درک بهتر مطلب قرار داده شد که پاسخ آن در ادامه سؤال هست و بیشتر جنبه آموزشی دارد.
۶. بخش «بعدها می‌خوانیم» در در سنامه‌ها قرار داده شد تا مطالب و نکاتی که در متن هر درس وجود دارد، اما هنوز آن را نخوانده‌اید و قرار است بعداً با آن آشنا شوید، از قلم نیفتد.
۷. چینه‌ش تست‌ها بر اساس قلمروهای سه‌گانه است تا شما را در تست‌زنی موضوعی نیز یاری کند. علاوه بر این، تلاش کردیم تا سطح کیفی تست‌ها تا حد ممکن از آسان به دشوار باشد.
۸. پاسخ تست‌ها تشریحی و بیشتر با ذکر دلیل ردّ گزینه‌ها یا اثبات پاسخ‌هاست.
۹. عنوان‌های «مشاوره» و «ترفند» در پاسخنامه تست‌ها برای دستیابی به فهم تست و زودتر رسیدن به پاسخ، در پاسخنامه گنجانده شد.
- ۱۰- ده آزمون تشریحی به ترتیب زیر در کتاب گنجانده شد تا با خواندن این کتاب، علاوه بر آشنایی با تست‌های فارسی یازدهم، نمونه‌ای از پرسش‌های تشریحی را هم در اختیار داشته باشید:

دو آزمون در پایان میان ترم اول (درس ۱ تا ۵)

دو آزمون در پایان ترم اول (درس ۱ تا ۹)

دو آزمون در پایان میان ترم دوم (درس ۱ تا ۱۴)

چهار آزمون در پایان سال (درس ۱ تا آخر)

در پایان سپاس داریم از همه دوستان زحمت‌کش در واحد تألیف، تولید و پخش مشاوران آموزش که حاصل رنجشان اکنون در دستانتان شماس.

روزگارتان به کام  
مهدی کرانی

# مهرست



۷

۹

۱۶

۲۶

۳۴

۴۹

۵۵

۶۴

۷۴

۸۸

۹۳

۹۹

۱۰۹

۱۲۰

۱۲۷

۱۳۹

۱۴۵

۱۵۰

۱۶۳

ستایش: لطف خدا

درس اول: نیکی

درس دوم: قاضی بُست

درس سوم: در امواج سند

درس پنجم: آغازگری تنها

درس ششم: پروردهٔ عشق

درس هفتم: باران محبت

درس هشتم: در کوی عاشقان

درس نهم: ذوق لطیف

درس دهم: بانگ جرس

درس یازدهم: یاران عاشق

درس دوازدهم: کاوهٔ دادخواه

درس چهاردهم: حملهٔ حیدری

درس پانزدهم: کبوتر طوق‌دار

درس شانزدهم: قصهٔ عینکم

درس هفدهم: خاموشی دریا

درس هجدهم: خوان عدل

نیایش: الهی

پاسخنامهٔ تشریحی

# فصل دوم

ادبیات پایداری



## درس سوم درامواج سند



وقتی سرزمینی اسیر ستم بدخواهان می‌شود، وظیفهٔ مردمان آن سرزمین چیست؟ مبارزه و پایداری. شاعران و نویسندگان هم به‌عنوان بخشی از مردمان سرزمین ستم‌دیده به شیوهٔ خود به مبارزه برمی‌خیزند و در این راه گاهی تا حد دوخته شدن دهان و از دست دادن جانشان می‌ایستند. مقاومت و پایداری مردم ستم‌دیده موضوعی است که در ادبیات پایداری گفته می‌شود؛ پس «ادبیات پایداری» به آثاری ادبی گفته می‌شود که در آن‌ها نویسندگان یا شاعر، تفکر آگاهی‌بخش یا انتقادی خود را دربارهٔ دادگری، عدالت خواهی، بیدادگری، ستم‌ستیزی، آزادی و حق‌جویی، بازگو می‌کند. ادبیات پایداری زمانی شکل می‌گیرد که کشور به دست اشغالگران افتاده باشد یا آزادی‌های فردی و اجتماعی جای خود را به اختناق و استبداد بدهد. بعضی از ویژگی‌های ادبیات پایداری عبارت‌اند از: دعوت به مبارزه علیه ستمگری و استبداد، بیان ظلم و جنایت و بی‌عدالتی، امیدوار کردن مردم به پیروزی، بزرگداشت مقام شهدا، ستایش آزادی و آزادگی، ستایش سرزمین و میهن.

نمونه‌ای از «ادبیات پایداری» شعر «در امواج سند» است که در درس هشتم آمده؛ این شعر در قالب «چهارپاره» سروده شده و به پایداری سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در برابر مغولان می‌پردازد:

نهان می‌گشت پشت کوهساران  
به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران

به مغرب، سینه‌مالان قرص خورشید  
فرو می‌ریخت گردی زعفران‌رنگ

**فکر:** غروب غم‌بار خورشید که گویی نشانی از غروب حکومت خوارزمشاهیان دارد.

**ادبی:** تشخیص (و استعاره): خورشید سینه‌خیز می‌رود. خورشید نهان می‌شود. / کنایه: «سینه‌مال رفتن» کنایه از آهسته / تناسب: خورشید و مغرب / استعاره: «گرد زعفران‌رنگ» استعاره از نور خورشید

**زبانی:** سینه‌مالان: سینه‌خیز رفتن / قرص: جرم، گرده

**یک توضیح:** اگر بگوییم «گرد» به‌تنهایی استعاره از نور خورشید است، می‌توانیم بگوییم که نور خورشید به زعفران تشبیه شده؛ اما وقتی «گرد زعفران‌رنگ» روی هم استعاره از نور خورشید است، دلیلی ندارد بگوییم گرد به زعفران تشبیه شده است؛ زیرا خورشید نه گردی دارد و نه بین «گرد» (به‌تنهایی) و «زعفران» ویژگی مشترکی هست.

## قافیه‌ها

به قافیه‌های این شعر دقت کنید! این شعر از چند بند تشکیل شده که هر بند دو بیت دارد. در هر بند مصراع‌های زوج با هم هم‌قافیه‌اند؛ اما با بندهای دیگر تفاوت دارند؛ با وجود این، بندها از نظر محتوا و وزن با هم یکسانند. به این قالب شعری، «قالب چهارپاره» می‌گویند.

**شکل قرار گرفتن قافیه در قالب چهارپاره این گونه است:**



قالب چهارپاره بعد از مشروطه و برای بیان مسائل اجتماعی و سیاسی رواج پیدا کرد. از شاعران بزرگ که در این قالب شعر سروده‌اند؛ بهار، فریدون مشیری و فریدون تولی را می‌توان نام برد.

تن سنگین اسبی تیرخورده  
سوار زخم‌دار نیم‌مرده

ز هر سو بر سواری غلت می‌خورد  
به زیر باره می‌نالید از درد

**فکر:** توصیف شکست سپاهیان خوارزمشاه و کشته و زخمی شدن سربازان

**زبانی:** \* باره: اسب (واژه دیگری هم با همین شکل و قافیه هست، به معنی «قلعه» که باید با توجه به مفهوم جمله این دو را از هم تشخیص دهید: «به باره برآمد، سپه بنگرید») / «زخم‌دار» / «تیرخورده» و «نیم‌مرده» هر سه صفت‌اند برای اسم قبل از خود.

به زیر دامن شب در سیاهی  
فروغ خرگه خوارزمشاهی

نهان می‌گشت روی روشن روز  
در آن تاریک شب می‌گشت پنهان

فصل دوم سه گانه

**فکر:** شب تاریک فرا می‌رسید و عمر سلسله خوارزمشاهی هم به پایان خود نزدیک می‌شد. / بد نیست این موضوع را هم بدانیم که: چهار بیت آغازین این شعر، بین غروب خورشید و زوال و نابودی خوارزمشاهیان ارتباطی برقرار کرده است. شاعر با بیان غروب خورشید مخاطبان خود را آماده می‌کند که خبر غروب خوارزمشاهیان را بیان کند. (به این شروع زیرکانه، «براعت استهلال» می‌گویند که بعداً با آن آشنا خواهید شد).

**ادبی:** جناس ناهمسان (ناقص): روی، روز (افتلاف دو واژه در واج پایانی) / تضاد: روشن و سیاهی؛ شب و روز / مجاز: «خرگه» مجاز از قدرت و شکوه / تشخیص و استعاره: «روی روز» روز همانند انسان رخ دارد؛ «دامن شب» شب همانند انسان دامن دارد. / کنایه «نهان شدن روز در زیر دامن شب» کنایه از تاریکی هوا و آغاز شب است. / استعاره (مکنیه): «فروغ خرگه خوارزمشاهی»: خرگه به خورشیدی تشبیه شده است که فروغ دارد.

**زبانی:** فروغ: روشنائی، شعاع و تابش خورشید / \*خرگه: خیمه بزرگ، سراپرده بزرگ / خوارزمشاهی: منسوب به خوارزمشاهیان که یکی از سلسله‌های حکومتی در ایران بودند.

به خون آلوده، ایران کهن دید  
غروب آفتاب خویشتن دید

به خوناب شفق در دامن شام  
در آن دریای خون، در قرص خورشید

فصل دوم سه گانه

**فکر:** جلال‌الدین خوارزمشاه، متوجه غروب عظمت ایران باستان و پایان عمر خود شد.

**ادبی:** تشبیه (اضافه تشبیهی): شفق به خوناب تشبیه شده است. (و به شبه آن‌ها سرفی است) / تشخیص (و استعاره): دامن شام (شب به انسانی تشبیه شده است که دامن دارد) / استعاره: «دریای خون» استعاره از «سرخ‌ی شفق»: آفتاب استعاره از عمر / کنایه: «غروب آفتاب خویشتن دید» کنایه از این که «نابودی خود را دید». / واج آرایی: تکرار واج «ن» در بیت ۷ و واج «د» در بیت ۸

**زبانی:** نهاد محذوف: سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه / خوناب: خون آمیخته به آب / شفق: سرخی آسمان هنگام غروب / شام: شب / قرص: گردی / شبکه معنایی: قرص، خورشید، غروب، آفتاب

چه اندیشید آن دم، کس ندانست  
چو آتش در سپاه دشمن افتاد

که مژگانش به خون دیده تر شد  
ز آتش هم کمی سوزنده تر شد

فصل دوم سه گانه

**فکر:** کسی از اندیشه او که باعث گریه‌اش شده بود، خبر نداشت؛ اندیشه‌ای که پس از آن به دشمن حمله کرد.

**ادبی:** اغراق: خون دیده / استعاره: «خون» استعاره از اشک / کنایه: «خون دیده» کنایه از «نهایت اندوه و گریه فراوان» / تشبیه: تشبیه سلطان جلال‌الدین به آتش (و سپس برتری دارن او بر آتش) / تکرار: «آتش» در بیت ۱۰ تکرار شده است.

**زبانی:** نهاد محذوف: سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه. / دم: لحظه، زمان اندک، نفس / مژگان: مژه + «گ» میانجی + «ان» جمع «آن دم» در بیت ۹ و «کمی» در بیت ۱۰ نقش «قیدی» دارند.

به این جمله دقت کنید: «می‌خواهم بروم.» شما با شنیدن این جمله می‌توانید، تصور کنید که من به مدرسه، دانشگاه، خانه، انتشارات، کلاس موسیقی یا ... می‌خواهم بروم؛ همچنین می‌توانید فکر کنید که من همین حالا، یا فردا، یا سال دیگر به جایی که می‌خواهم، می‌روم. اما اگر از همان اول جمله «می‌خواهم سال دیگر به دانشگاه بروم» را بشنوید؛ نمی‌توانید موارد دیگر را تصور کنید. در واقع «سال دیگر» و «دانشگاه» واژه‌هایی هستند که معنی جمله را محدودتر و مقید کرده‌اند. به این واژه‌ها «قید» یا «گروه قیدی» می‌گوییم. پس قید یا گروه قیدی، بخشی از جمله است که جمله یا جزئی از آن را مقید می‌کند یا درباره مفهوم حالت، زمان، مکان، تردید، یقین، تکرار و ... توضیحی را به جمله می‌افزاید.

**تمرین** در کدام گزینه قید یا گروه قیدی به کار نرفته است؟

- ۱) آدم زیر لب آهسته می‌گفت: اگر شما مرا نمی‌شناسید، من شما را می‌شناسم.
- ۲) ملائکه مقرب هیچ کس آدم را نمی‌شناختند. یک‌به‌یک بر آدم می‌گذشتند.
- ۳) خاک سوگند برداد به عزت و ذوالجلالی حق که مرا مبر.
- ۴) حضرت جلت به خداوندی خویش، در آب و گل آدم، چهل شباروز تصرف می‌کرد.

**پاسخ: گزینه ۳** / در گزینه ۱ «آهسته» و در گزینه ۲ «یک‌به‌یک» حالت فعل را بیان می‌کنند و در گزینه ۴ نیز «چهل شباروز» مفهوم زمان را در بر دارد؛ اما در گزینه ۳ واژه‌ای که قید باشد، دیده نمی‌شود.

میان شام رستاخیز می‌گشت  
به دنبال سر چنگیز می‌گشت

در آن باران تیر و برق پولاد  
در آن دریای خون، در دشت تاریک

فصل دوم سه گانه

**فکر:** جلال‌الدین خوارزمشاه در آن شب تاریک در میدان نبرد به دنبال انتقام از چنگیز خان مغول بود. (به فکر نبرد و پایداری بود).

**ادبی:** تشبیه (اضافه تشبیهی): باران تیر / مجاز: «پولاد» مجاز از سلاح بولادی، شمشیر / اغراق: باران تیر (به اندازه باران تیر بیاردا)؛ «دریای خون بودن میدان نبرد» نیز بزرگ‌نمایی دارد. / استعاره: شاعر میدان نبرد را به «شام رستاخیز» تشبیه کرده است؛ «دریای خون» نیز استعاره از میدان نبرد است. / جناس ناهمسان (ناقص): در و سر / نهاد محذوف: سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه

**زبانی:** برق: درخشش / پولاد: فولاد (تلفظ «ف» به‌های «پ» بعدها بیشتر رواج پیدا کرد؛ پارسی، فارسی؛ پیل: فیل) / رستاخیز: قیامت

بدان شمشیر تیز عافیت سوز / در آن انبوه، کار مرگ می کرد  
ولی چندان که برگ از شاخه می ریخت / دوچندان می شکفت و برگ می کرد

**فکر:** جلال‌الدین با شمشیر بران خود در حال کشتار مغولان بود. اما تعداد سربازان مغول بسیار زیاد بود و این کشتار مانع شکست خوارزمشاهیان نمی شد.

**ادبی:** تشبیه: «سلطان جلال‌الدین» به «مرگ»؛ وجه شبه: جان‌ستانی و کشتار / استعاره: «برگ» استعاره از سربازان مغول؛ «شاخه» استعاره از «سپاه مغول» / کنایه: «عافیت سوز» کنایه از نابودکننده؛ «کار مرگ کردن» کنایه از کشتن؛ بیت ۱۴ کنایه از بی‌شمار بودن سربازان مغول / تناسب: برگ، شاخه، شکفتن، برگ کردن

**زبانی:** نهاد محذوف: سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه / عافیت سوز: از بین برنده سلامتی / کار: عمل، شغل، جنگ / برگ می کرد: می روید، به وجود می آمد / تنسیق الصفات: شمشیر تیز عافیت سوز. صفت فاعلی مرکب مرخم: عافیت سوز (عافیت سوزنده)

میان موج می رقصید در آب / به رقص مرگ، اخترهای انبوه  
به رود سند می غلتید بر هم / ز امواج گران، کوه از پی کوه

**فکر:** انعکاس لرزان تصویر ستارگان در میان موج‌های رود سند و حرکت موج‌ها

**ادبی:** تشخیص (و استعاره): رقصیدن ستارگان / تشبیه: «حرکت موج‌های رود سند» به «غلتیدن کوه‌های بزرگ بر روی هم» تشبیه شده است.

**زبانی:** اختر: ستاره / \*گران: سنگین، عظیم

خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف آلود / دل شب می درید و پیش می رفت  
از این سد روان، در دیده شاه / ز هر موجی هزاران نیش می رفت

**فکر:** توصیف رود سند و این که این رود در برابر جلال‌الدین قرار داشت و راه او را بسته بود. (برای همین مثل نیش بود که به پشم لاله‌الدین فرو می رفت).

**ادبی:** تشخیص و استعاره: «دل شب» شب مانند انسانی که دل دارد؛ رود سند دل کسی را شکافته و پیش می رود. / استعاره: «دل شب» اضافه استعاره؛ «سد روان» استعاره از «رود سند» / تشبیه: «موج» را به «نیش» تشبیه کرده است. / کنایه «مثل نیش در دیده رفتن چیزی» کنایه از آزاردهنده بودن آن چیز / نهاد محذوف: رود سند

**زبانی:** ژرف: عمیق / خروشان، ژرف، بی‌پهنا و کف آلود صفتهایی هستند که پشت سر هم برای رود گفته شده‌اند. (به این شیوه چند صفت آوردن برای یک موصوف، تنسیق الصفات می‌گویند).

ز رخسارش فرومی ریخت اشکی / بنای زندگی بر آب می دید  
در آن سیماب گون امواج لرزان / خیال تازه‌ای در خواب می دید:

**فکر:** توصیف گریستن جلال‌الدین و فکری که برای عبور از مانع (رود سند) به سرش می زند.

**ادبی:** تشبیه (اضافه تشبیهی): «بنای زندگی» / کنایه: «بنای چیزی بر آب دیدن» کنایه از «در معرض فنا و نابودی بودن آن چیز» / ایهام: ۱- بنای زندگی را نابود شده می‌دید. ۲- سلطان جلال‌الدین اشک می ریخت و دنیا را با چشمان اشک آلود می‌نگریست. / تشبیه: «امواج» به «سیماب» / کنایه: «خیال تازه در خواب می‌دید» کنایه از این که فکر تازه‌ای به ذهنش رسیده بود. / نهاد محذوف: جلال‌الدین خوارزمشاه

**زبانی:** رخسار: صورت، چهره / \*سیماب: جیوه؛ سیماب گون: به رنگ جیوه، جیوه‌ای

به یاری خواهم از آن سوی دریا / سوارانی زره‌پوش و کمان‌گیر  
دمار از جان این غولان کشم سخت / بسوزم خانمان‌هاشان به شمشیر

**فکر:** تصمیم جلال‌الدین که در دو بیت قبل به آن اشاره شد، این است که زنان و کودکان را به رود بسپارد و با خیالی آسوده‌تر به نبرد با مغولان برود. همچنین او می‌خواهد که در صورت شکست خوردن از مغولان، خود را به آب بیندازد و از رود بگذرد و پس از جمع کردن سپاهی تازه، به نبرد با دشمنان بازگردد. (برخی از ابیاتی که این مفهوم را کامل می‌کنند در کتاب درسی نیامده‌اند).

**ادبی:** مجاز: «دریا» مجاز از رود سند است (رود سند، به خاطر آب زیاد یا به خاطر این که بعداً به دریا می‌پیوندد، «دریا» خوانده شده است). کنایه: «کمان‌گیر» کنایه از کسی که مهارت تیراندازی با کمان یا مقابله با تیرهای دشمنان را دارد؛ «دمار از کسی کشیدن» کنایه از شکست دادن و نابود کردن او / استعاره: «غولان» استعاره از مغولان / شیوه بلاغی: فعل جمله در هر دو بیت قبل از سایر اجزای جمله آمده است.

**زبانی:** «سخت» در مصراع سوم قید است. / در گروه اسمی «جان این غولان» «جان» هسته و «این غولان» وابسته (مضاف‌الیه) است.

شبی آمد که می‌باید فدا کرد  
به پیش دشمنان استاد و جنگید

به راه مملکت، فرزند و زن را  
رهاند از بند اهریمن، وطن را

**فکری:** در راه وطن از جان گذشتن و حتی فداکردن عزیزان واجب است.

**ادبی:** مجاز: «فرزند و زن» مجاز از «همه هستی و دارایی»؛ بند مجاز از اسارت و اشغال / استعاره: «اهریمن» استعاره از «مغولان» / «از بند رهاندن» کنایه از نجات دادن / نهاد محذوف: جلال‌الدین خوارزمشاه

**زبانی:** «استاد»: مخفف (کوتاه‌شده) «ایستاد»؛ اهریمن: شیطان. مظهر شر و فساد

فکرها سه گانه

شبی را تا شبی با لشکری خُرد  
چو لشکر گرد بر گردش گرفتند

ز تن‌ها سر، ز سرها خود افکند  
چو کشتی، بادپا در رود افکند!

**فکری:** نبرد جلال‌الدین در ۲۴ ساعت (شبی تا شبی) و گریز او از پیش دشمن

**ادبی:** تکرار: «شبی»، «سر» / کنایه: «گرد بر گردش گرفتند» کنایه از «محاصره‌اش کردند»؛ «بادپا» کنایه از «اسب» / جناس همسان (تام): چو (وقتی که، در مصراع اول) و چو (مانند، در مصراع دوم) / تشبیه: «بادپا» به «کشتی» تشبیه شده است.

**زبانی:** لشکری خُرد: لشکری اندک / تن‌ها، بدن‌ها / خود: کلاه نظامی که از آهن و فلز می‌سازند؛ کلاه‌خود / صفت جانشین موصوف: «بادپا» به جای اسب که آرایه کنایه را هم ساخته است.

فکرها سه گانه

چو بگذشت، از پس آن جنگ دشوار  
به فرزندان و یاران گفت چنگیز

از آن دریای بی‌پایاب، آسان  
که گر فرزند باید، باید این‌سان!

**فکری:** شگفت‌زده شدن مغولان به‌خاطر گذشتن جلال‌الدین از رود سند. (پنکیز این حرکت بلال‌الدین را می‌ستاید.) این دو بیت موقوف‌المعانی هستند.

**ادبی:** تضاد: دشوار و آسان / مجاز: «دریا» مجاز از «رود» / نهاد محذوف: جلال‌الدین خوارزمشاه

**زبانی:** بی‌پایاب: عمیق / این‌سان: این‌گونه

فکرها سه گانه

به پاس هر وجب خاکی از این مُلک  
ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک

چه بسیار است، آن سرها که رفته‌ا  
خدا داند چه افسرها که رفته‌ا  
مهری همیری شیرازی

**فکری:** میهن، یادگار خون‌های ریخته‌شده‌ای است که در تمام تاریخ به‌خاطر دفاع از آن ریخته شده است.

**ادبی:** مجاز: «سر» مجاز از «جان سربازان»؛ «افسر» مجاز از «پادشاهان و سرداران»؛ «وجب» مجاز از اندازه بسیار کوچک؛ «خاک» مجاز از ایران / جناس ناهمسان: «بر»، «سر»، «هر» / واج آرایه: تکرار واج «ر» در بیت آخر / کنایه: «رفتن» کنایه از کشته‌شدن

**زبانی:** پاس: نگهداری، مواظبت / وجب: فاصله میان انگشت بزرگ و انگشت کوچک دست، در حالی که تمام انگشت‌ها باز باشد. / مُلک: سرزمین، کشور / قطعه: پاره، تکه / افسر: تاج و کلاه پادشاهان، صاحب‌منصب

فکرها سه گانه

## واژه‌های مهم املا

در گروه‌واژه‌های زیر، املاي کدام واژه‌ها نادرست است؟

«قرص خورشید، خرگه خوارزمشاهی، خونا ب شفق، شمشیر عافیت‌سوز، رقص مرگ، غلطیدن سنگ، سیماب‌گون و جیوه‌ای، ذره و کمان، قطعه خاک، سرها و افسرها»

**پاسخ:** واژه‌های غلطیدن و زره (با توجه به واژه «کمان»، «زره» مد نظر است.) به‌شکل نادرست نوشته شده‌اند.

## بعداً می‌خوانیم

ابیات آغازین شعر دارای آرایه «براعت استهلال» است. براعت استهلال را که فراموش نکرده‌اید؟ شاعر برای ورود به داستان، توصیفی از طبیعت می‌آورد که فضای کلی داستان در آن هست. در ابیات آغازین این شعر هم توصیف غروب آندوه‌بار خورشید را می‌بینیم که یادآور غروب سلسله خوارزمشاهی است.

متناقض‌نما: «سَد روان» (دو ویژگی متضاد هم‌زمان در یک پدیده جمع شده است.)

گنج حکمت

چو سرو باش

حکیمی را پرسیدند: «چندین درخت نامور که خدای عزوجل آفریده است و برومند، هیچ یک را آزاد نخوانده‌اند؛ مگر سرو را که ثمره‌ای ندارد. در این چه حکمت است؟» گفت: «هر درختی را ثمره معین است که به وقتی معلوم، به وجود آن تازه آید و گاهی به عدم آن پژمرده شود و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است و این است صفت آزادگان.»

قلمروها سه گانه

**فکر:** دل بستن و وابسته شدن به جهان مادی، مایه رنج و ناراحتی است؛ اما در بند مادیات نبودن، مایه خوشی و سبک‌باری است که ویژگی آزادگان است.

**ادبی:** تضاد: عدم و وجود؛ تازه و پژمرده؛ است و نیست / مراعات نظیر: درخت، ثمره، سرو

**زبانی:** حکیمی را: از حکیمی (کاربرد «را» به‌جای «از») / نامور: مشهور / عزوجل: گرامی و بزرگ است. / برومند: میوه‌دار؛ بر + بومند / ثمره: میوه / حکمت: دانش، دلیل / معین: مشخص / تازه آید: شاداب شود، باطراوت شود / عدم: نبودن / پژمرده: خشک، پلاسیده

به آنچه می‌گذرد دل منه که دجله بسی  
پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد  
گرت ز دست برآید، چو نخل باش کریم  
ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد

گلستان، سعری

قلمروها سه گانه

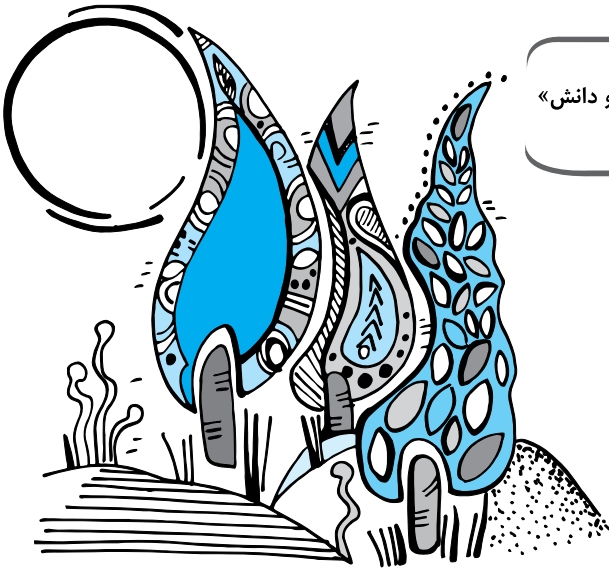
**فکر:** دل‌بسته دنیا نباش؛ اگر از دستت برمی‌آید، بخشنده باش و اگر بر نمی‌آید، آزادمرد باش و خود را برای مال دنیا خوار مکن؛ زیرا اموال دنیا به دنیا تعلق دارد و پس از مرگ ما نیز در همین دنیا خواهد ماند.

**ادبی:** کنایه: «دل‌نهادن» کنایه از وابستگی؛ «از دست برآمدن» کنایه از داشتن توانایی و امکان / تناسب: دجله و بغداد؛ نخل و سرو / تمثیل: شاعر برای مطلبی که می‌گوید، باقی ماندن دجله پس از مرگ خلیفه را مثال می‌زند. / تشبیه: مانند نخل بخشنده باش؛ مانند سرو آزاده باش. / مجاز: «دست» مجاز از قدرت و توانایی / تکرار: چو؛ دست؛ باش

**زبانی:** دجله: رودی در عراق / خلیفه: حاکم دولت اسلامی (در دوره سعری، هاکمان بنی‌عباس) / گرت: مخفف اگر تو را / کریم: بزرگوار، بخشنده

واژه‌های مهم املا

املاي کدام واژه نادرست است؟ «درخت نامور، عزوجل، میوه و سمره، حکمت و دانش»  
پاسخ: واژه «ثمره» به معنی میوه با املاي «سمره» نادرست است.



پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم



قلمرو زبانی: الف) واژگان و املا

۸۳. معنی «گشتن» در کدام ابیات یکسان است؟

- الف) به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید  
ب) در آن باران تیر و برق پولاد  
ج) در آن دریای خون، در دشت تاریک  
د) در آن تاریک شب می‌گشت پنهان
- ۱ الف - ج ۲ ب - د
- نهان می‌گشت پشت کوهساران  
میان شام رستاخیز می‌گشت  
به دنبال سر چنگیز می‌گشت  
فروغ خرگه خوارزمشاهی
- ۳ الف - د ۴ ب - ج

۴ الف - د

۸۴. معنی واژه‌ها در همه گزینه‌ها تماماً درست ذکر شده است، به‌جز .....

- ۱ رستاخیز، سینه‌مالان، خرد، مُلک: قیامت، سینه‌خیز، اندک، سرزمین  
۲ شام، انبوه، بی‌پایاب، برومند: آغاز شب، زیاد، ژرف، بارور  
۳ سیماگون، ژرف، باره، ثمره: جیوه‌ای، عمیق، اسب، میوه  
۴ گران، اختر، پاس، کریم: سنگین، ستاره، نگهبان، بخشنده





۸۵. واژه‌های «خرگه، همّت، شفق، عافیت، فروغ» در کدام گزینه درست معنی شده‌اند؟  
 ۱ گروه، اراده، سرخی هنگام غروب آفتاب، سلامتی، نور  
 ۲ سرپرده بزرگ، خواست، سرخی هنگام طلوع آفتاب، تندرست، روشنایی  
 ۳ خیمه، بلندنظری، سرخی هنگام غروب آفتاب، تندرستی، پرتو  
 ۴ زمره، کوشش، سرخی هنگام طلوع آفتاب، سالم بودن، روشن

۸۶. واژه‌های «قرص، اهریمن، افسر، نامور» به ترتیب؛ یعنی .....  
 ۱ جرم، ابلیس، تاج شاهان، معروف  
 ۲ محکم، دیو، صاحب‌منصب، آبرومند  
 ۳ گرده، شیطان، کلاه سربازان، نامدار  
 ۴ سیاره، عفریت، ترگ، شهره

۸۷. معادل معنایی «باره، ژرف، عظیم، ترگ، تاج» به ترتیب در کدام ابیات به کار رفته است؟

- الف) ز مستی بر سر هر قطعه زمین خاک  
 ب) چو بگذشت از پس آن جنگ دشوار  
 ج) شبی را تا شبی بالشکری خرد  
 د) به رود سند می‌غلتید بر هم  
 ه) چو لشکر گرد بر گردش گرفتند
- ۱ الف، ب، د، ه، ج  
 ۲ ه، د، ب، ج، الف  
 ۳ ه، ب، د، ج، الف  
 ۴ الف، ب، د، ج، ه

۸۸. در متن زیر چند غلط املائی وجود دارد؟

«به صواب آن لایق‌تر که بر معالجت مواظبت نمایی و بدان التفات نکنی که مردمان غدر طیب ندانند؛ لکن در آن نگر که اگر توفیق باشد و یک شخص را از چنگال مشقت خلاص طلبیده آید، آمرزش بر اطلاق مستحکم شود.»

- ۱ سه  
 ۲ چهار  
 ۳ دو  
 ۴ یک

۸۹. کدام گزینه فاقد غلط املائی است؟

- ۱ دو چشمم خیره ماند از روشنایی  
 ۲ مه دوهفته ندارد فروق چندانی  
 ۳ آدمی را که جان معنی نیست  
 ۴ هرگز حسد نبردم بر منصبی و مالی
- ندانم غرس خورشید است یا رو  
 که آفتاب که می‌تابد از گریبان  
 در حقیقت درخت بی‌سمر است  
 الا بر آن که دارد با دلبری وصالی

۹۰. در کدام عبارت غلط املائی یا رسم الخطی وجود ندارد؟

- ۱ به بیت‌الأحزان رفت و روی بر زمین نهاد و جیحون از فواره دیده می‌راند.  
 ۲ اگر پادشاهان در عفو و اغماض بسته گردانند و از هرکه اندک قدری ببیند یا در باب وی به کراهیت مثال دهند، بیش بر وی اعتماد نفرمایند.  
 ۳ و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است و این است صفت آزاده‌گان.  
 ۴ او را پسری در رسید که آثار نجابت در چهره او ظاهر بود. خاست که از جهت او کریمه‌ای خطبه کند.

### ب) دستور زبان

۹۱. نقش واژه‌های مشخص شده در کدام بیت نادرست است؟

- ۱ نهران می‌گشت روی روشن روز  
 ۲ از این سذ روان در دیده شاه  
 ۳ در آن تاریک شب می‌گشت پنهان  
 ۴ در آن دریای خون در قرص خورشید
- به زیر دامن شب در سیاهی  
 ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت  
 فروغ خرگه خوارزمشاهی  
 غروب آفتاب خویشتن دید
- (نهاد)  
 (مضاف‌الیه)  
 (مسند)  
 (قید)

۹۲. نهاد در کدام گزینه حذف شده است؟

- ۱ به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید  
 ۲ در آن تاریک شب می‌گشت پنهان  
 ۳ به خوناب شفق در دامن شام  
 ۴ میان موج می‌رقصید در آب
- نهران می‌گشت پشت کوهساران  
 فروغ خرگه خوارزمشاهی  
 به خون آلوده ایران کهن دید  
 به رقص مرگ اخترهای انبوه

۹۳. «مفعول» در همه ابیات، به جز بیت ..... درست مشخص شده است؟

- ۱ شبی را تا شبی بالشکری خرد  
 ۲ چو لشکر گرد بر گردش گرفتند  
 ۳ شبی آمد که می‌باید فدا کرد  
 ۴ از آن این داستان گفتم که امروز
- ز تن‌ها سر ز سرها خود افکند  
 چو کشتی بادپا در رود افکند  
 به راه مملکت فرزند و زن را  
 بدانی قدر و بر هیچش نبازی

۹۴. در همه عبارت‌ها «قید» دیده می‌شود، به جز .....  
 ۱ آنان دوشادوش هم در مزرعه کار می‌کردند.  
 ۲ آن‌ها چند روز مانده به عید زندگی مشترکشان را آغاز کردند.

۹۵. در بیت «خروشان، ژرف، بی‌پهنا، کف‌آلود / دل شب می‌درید و پیش می‌رفت» چند «قید» دیده می‌شود؟  
 ۱ سه  
 ۲ چهار  
 ۳ پنج  
 ۴ شش

### قلمرو ادبی (آرایه‌های ادبی)

۹۶. کدام آرایه در بیت زیر به کار نرفته است؟

- «در آن دریای خون، در قرص خورشید  
 ۱ تشبیه  
 ۲ استعاره  
 ۳ کنایه  
 ۴ تناسب»

۹۷. در کدام بیت آرایه «مجاز» مشهود است؟

- ۱ چو لشکر گرد بر گردش گرفتند  
 ۲ شبی آمد که می‌باید فدا کرد  
 ۳ ز مستی بر سر هر قطعه زمین خاک  
 ۴ به رود سند می‌غلتید بر هم
- چو کشتی بادپا در رود افکند  
 به راه مملکت فرزند و زن را  
 خدا داند چه افسرها که رفته  
 ز امواج گران کوه از پی کوه

۹۸. کدام بیت فاقد «استعاره» است؟

- ۱) چور است که در جام فشاند به جز می
- ۲) خاک سر راهت شدم ای لعبت چالاک
- ۳) با چشم تو آسوده‌ام از فتنه آیم
- ۴) از عکس رخت دامن آفاق، گلستان

(سراسری، هنر ۹۷)

۹۹. در کدام بیت بیشترین آرایه «تضاد» وجود دارد؟

- ۱) شور فرهادم به پرسش سر به زیر افکنده بود
- ۲) قناعت می‌کنم با درد چون درمان نمی‌یابم
- ۳) شیرین نمایم به دهانش شکر وصل
- ۴) گردون مرا ز محنت هستی رها نخواست

(سراسری، ریاضی ۹۱)

۱۰۰. آرایه‌های نوشته‌شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید
- ۲) از این سد روان در دیده شاه
- ۳) در ره عشق وطن از سر و جان خاسته‌ایم
- ۴) گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم

(سراسری، تجربی ۹۷)

۱۰۱. در همه ابیات، تعداد تشبیه‌ها، یکسان است. به جز.....

- ۱) سرورق‌تاری صنوبرقامتی
- ۲) مرا دلی است گرفتار عشق دل‌داری
- ۳) همای‌فری، طاووس خُسنی و طوطی‌نطق
- ۴) بنفشه‌زلفی، نسرين‌بری، سمن‌بویی

- (استعاره - کنایه)  
(تشبیه - تناقض)  
(جناس - استعاره)  
(تشبیه - مجاز)

۱۰۲. آرایه‌های موجود در کدام دو بیت یکسان است؟

- الف) در آن تاریک شب می‌گشت پنهان  
ب) ز رخسارش فرومی‌ریخت اشکی  
ج) به خوناب شفق در دامن شام  
د) اگر یک لحظه امشب دیر جنبد
- ۱) الف - ج
  - ۲) ب - ج

- ۴) ب - د

- ۲) الف - د

فروغ خرگه خوارزمشاهی  
بنای زندگی بر آب می‌دید  
به خون آلوده ایران کهن دید  
سپیده‌دم جهان در خون نشیند

ماه‌رخساری ملایک‌منظری  
سمن‌بری، صنمی، گل‌رخی، جفاکاری  
به‌گاه جلوه‌گری چون تذروفتاری  
که ماه را بر حُسنش نماند بازاری

۱۰۳. همه آرایه‌های «واج‌آرایی، جناس همسان، تناسب، تشبیه» در بیت ..... دیده می‌شود.

- ۱) چو با حبیب نشینی و یاده پیمایی
- ۲) من چو از خاک لحد لاله‌صفت برخیزم
- ۳) کوفته بر سفره من گو مباش
- ۴) ای آفتاب روی تو کرده هزیمت ماه را

به یاد آر محبتان بادپیمای  
داغ سودای توام سز سویدا باشد  
کوفته را نان تهی کوفته است  
وان ماه در راه آمده از هزم تو پا کوفته

۱۰۴. آرایه‌های بیت «به پیش دشمنان استاد و جنگید / رهاوند از بند اهریمن وطن را» در کدام گزینه درست آمده است؟

- ۱) استعاره، تشبیه، تناسب ۲) مجاز، کنایه، استعاره ۳) تشخیص، تناسب، کنایه ۴) تلمیح، تشبیه، مجاز

(سراسری، زبان ۹۳)

۱۰۵. ترتیب قرار گرفتن ابیات به لحاظ داشتن «تشبیه، متناقض‌نما، ایهام، حس آمیزی و تلمیح» در کدام گزینه درست است؟

- الف) غمزه و ابروی چون تیر و کمان آفت ماست  
ب) از خون چو داغ لاله حصار دل من است  
ج) آدمی گر خون بگرید از گرانباری رواست  
د) هر که مست است در این میکده هشیارتر است  
ه) آتش چگونه دست و گریبان شود به خار
- ۱) الف، ب، ج، د، ه
  - ۲) ه، د، الف، ب، ج
  - ۳) الف، د، ب، ج، ه
  - ۴) د، ه، الف، ب، ج

- ۴) د، ه، الف، ب، ج

قلعرو فکری (قرابت معنایی)

۱۰۶. مفهوم کدام بیت نتیجه غفلت و کوتاهی در برابر دشمن را به تصویر می‌کشد؟

- ۱) در آن تاریک شب می‌گشت پنهان
- ۲) در آن دریای خون، در قرص خورشید
- ۳) اگر یک لحظه امشب دیر جنبد
- ۴) چو لشکر گرد برگردش گرفتند

فروغ خرگه خوارزمشاهی  
غروب آفتاب خویشتن دید  
سپیده‌دم جهان در خون نشیند  
چو کشتی بادپا در رود افکند

۱۰۷. مفهوم مقابل بیت «به مغرب سینه‌مالان قرص خورشید / نهان می‌گشت پشت کوهساران» در کدام بیت دیده نمی‌شود؟

- ۱) چو خورشید پیدا شد از پشت زاغ
- ۲) چو خورشید بر چرخ بنمود تاج
- ۳) از آن شهر روشن یکی تیره‌گرد
- ۴) چو خورشید زد عکس بر آسمان

برآمد به‌کردار زرین‌چراغ  
زمین شد به‌کردار تا بنده‌ماه  
برآمد که خورشید شد لاجورد  
پراکند بر لاژورد ارغوان

۱۰۸. کدام مفهوم از دو بیتی زیر برداشت نمی‌شود؟

- «به خوناب شفق در دامن شام  
در آن دریای خون، در قرص خورشید
- ۱) خویشتن‌بینی و غرور
  - ۲) غروب خورشید

- ۴) سرنوشت خونین ایران

- ۳) سرخی آسمان

۱۰۹. مفهوم کدام بیت در مقابل آن درست نوشته شده است؟

- ۱) در آن باران تیر و برق پولاد
- ۲) میان موج می‌رقصید در آب
- ۳) چه اندیشید آن دم، کس ندانست
- ۴) به پیش دشمنان استاد و جنگید

- (به دنبال غذا گشتن در شب نبرد)  
(شناکردن در رود و گذر از آب)  
(گریستن جلال‌الدین)  
(رهاکردن وطن به دشمنان)

میان شام رستاخیز می‌گشت  
به رقص مرگ اخترهای انبوه  
که مزگانش به خون دیده تر شد  
رهاوند از بند اهریمن وطن را

۱۱۰ دو بیتی زیر گویای کدام یک از مفاهیم ذکر شده است؟

- «خروشان ژرف بی‌پهنا کف آلود / دل شب می‌درید و پیش می‌رفت  
از این سَد روان در دیده شاه / ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت»
- ۱ سلطه شب ۲ اشک روان شاه ۳ خروش رود ۴ شبیخون دشمنان

۱۱۱ کدام ابیات به ترتیب نشان‌دهنده مفهوم «انتقام، جان‌فشانی در راه وطن، تعداد زیاد لشکریان، حمله به لشکر دشمن» است؟

- الف) ز مستی بر سر هر قطعه زمین خاک / خدا داند چه افسرها که رفته  
ب) دمار از جان این غولان کشیم سخت / بسوزم خانمان‌هاشان به شمشیر  
ج) چو آتش در سپاه دشمن افتاد / ز آتش هم کمی سوزنده‌تر شد  
د) ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت / دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد

- ۱ الف، ج، د، ب ۲ ب، الف، د، ج ۳ ب، د، الف، ج ۴ الف، ج، ب، د

۱۱۲ معنی کدام عبارت در برابر آن نادرست نوشته شده است؟

- ۱ در آن انبوه کار مرگ می‌کرد: در میان لشکریان بی‌شمار، خود را برای مرگ آماده می‌کرد.  
۲ بنای زندگی بر آب می‌دید: عمر خود را تمام‌شده می‌دید.  
۳ ز تن‌ها سر، ز سرها خود افکنند: سپاهیان دشمن را می‌کشت.  
۴ دل شب می‌درید و پیش می‌رفت: در شب تاریک پیش می‌رفت.

۱۱۳ مفهوم بیت «بدان شمشیر تیز عافیت‌سوز / در آن انبوه کار مرگ می‌کرد» با مفهوم کدام گزینه یکسان است؟

- ۱ دهقان قضا بسی چو ما کشت و درود / غم خوردن بیهوده نمی‌دارد سود  
۲ یکایک ازو بخت برگشته شد / به دست یکی بنده بر کشته شد  
۳ ندانست جز کژی آموختن / جز از کشتن و غارت و سوختن  
۴ ابر کین آن شاهزاده‌سوار / بکشت از سواران دشمن هزار

۱۱۴ کدام گزینه با بیت «در ره عشق وطن از سر و جان خاسته‌ایم / تا در این ره چه کند همّت مردانه ما» ارتباط مفهومی ندارد؟

- ۱ جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / پدیر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است  
۲ دریغ است ایران که ویران شود / کنام پلنگان و شیران شود  
۳ اگر سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که میهن به دشمن دهیم  
۴ ترک سر کرده‌ام به راه وطن / دست در آستین گواهم بس

۱۱۵ مضمون بیت «شبی آمد که می‌باید فدا کرد / به راه مملکت فرزند و زن را» با همه ابیات، به جز ..... مشترک است.

- ۱ جان سپارم به خاک پاک وطن / دفن کردم به زیر خاک وطن  
۲ بلبل شیفته خوب‌سخن در خطر است / ای وطن خواهان زنده‌ار وطن در خطر است  
۳ به پاس هر وجب خاکی از این ملک / چه بسیار است، آن سرها که رفته  
۴ با هم‌رهان بگوی سراغ وطن گرفت / هر جا که ذره‌ذره خاک‌سترم گذشت

۱۱۶ مفهوم عبارت «هر درختی را ثمره معین است که به وقتی معلوم، به وجود آن تازه آید و گاهی به عدم آن پژمرده شود و سرو را هیچ از این نیست و همه وقتی خوش است و این است صفت آزادگان.» در کدام بیت دیده می‌شود؟

- ۱ به سرو گفت کسی میوه‌ای نمی‌آری / جواب داد که آزادگان تهی‌دستانند  
۲ سرو آزاد به بالای تو می‌ماند راست / لیکنش با تو بیشتر نشود رفتاری  
۳ یکی درخت گل اندر فضای خلوت ماست / که سروهای چمن پیش قامتش پست‌اند  
۴ تو را در بوستان باید که پیش سرو بنشینی / و گرنه باغبان گوید که دیگر سرو نشانم

۱۱۷ در کدام بیت «آزادگی سرو» دیده نمی‌شود؟

- ۱ سر به آزادی از خلق برآرم چون سرو / گر دهد دست که دامن ز جهان درچینم  
۲ زیر بارند درختان که تعلق دارند / ای خوشا سرو که از بار غم آزاد آمد  
۳ به بندگی قدش سرو معترف گشتی / گرش چو سوسن آزاده ده‌زبان بودی  
۴ طریق صدق بیاموز از آب صافی دل / به‌راستی طلب آزادی ز سرو چمن

۱۱۸ مفهوم کدام بیت از مفهوم بیت «به آن چه می‌گذرد دل منه که دجله بسی / پس از خلیفه بخواهد گذشت در بغداد» دورتر است؟

- ۱ آن که گویند که بر آب نهاده است جهان / مشنوی خواجه که تا درنگی بر باد است  
۲ جهان را نمایش چو کردار نیست / بدو دل سپردن سزاوار نیست  
۳ گذر جوی و چندین جهان را مجوی / گلش زهر دارد به خیره موی  
۴ روزگارم بشد به نادانی / من نکردم شما حذر بکنید

۱۱۹ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱ سر البارسلان دیدی ز رفعت رفته بر گردون / به مرو آ تا کنون در گل تن البارسلان بینی  
۲ ز یزدان دان نه از ارکان که کوه‌دیدگی باشد / که خطی کز خرد خیزد تو آن را از بنان بینی  
۳ بدین زور و زر دنیا چو بی‌عقلان مشو غره / که این آن نوبه‌اری نیست کش بی‌مهرگان بینی  
۴ که تا یک چند از این‌ها گر نشانی بازجویی تو / ز چندان باد لختی خاک و مثنی استخوان بینی

۱۲۰ مفهوم کدام بیت با مفهوم مصرع اول بیت زیر متفاوت است؟

- «گرت ز دست بر آید چو نخل باش کریم / ورت ز دست نیاید چو سرو باش آزاد»  
۱ ثوابت باشد ای دارای خرمن / اگر رحمی کنی بر خوشه‌چینی  
۲ چو خود را قوی‌حال بینی و خوش / به شکرانه بار ضعیفان بکش  
۳ چو بینم که درویش مسکین نخورد / به کام اندرم لقمه زهر است و درد  
۴ توانگرا چو دل و دست کامرانت هست / بخور، ببخش که دنیا و آخرت بردی



### قلمرو زبانی

#### الف) معنی واژگان

۱۵۸. معنی واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

- ۱) فتحعلی‌شاه، فرزند دوم خود را راهی دارالسلطنه تبریز کرده بود.
- ۲) رخت خود از باغ به راغی کشید.
- ۳) امیر نامه‌ها فرمود و نبشته آمد و به توقیع مؤکد گشت.
- ۴) فروماند در لطف و صنع خدای
- ۵) اگر لطفش قرین حال گردد

۱۵۹. برای هریک از واژگان داخل جدول، با توجه به متن‌های زیر یک معادل معنایی بنویسید.

- الف) چو بگذشت از پس آن جنگ دشوار / از آن دریای بی‌پایاب آسان  
ب) چو لشکر گرد بر گردش گرفتند / چو کشتی بادپا در رود افکند

واژه	معادل معنایی
اسب	.....
عمیق	.....

#### ب) املاي واژگان

۱۶۰. املاي درست واژه‌ها را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- الف) به مغرب سینه‌مالان (غرس، قرص) خورشید / نهان می‌گشت پشت کوهساران  
ب) زاغی از آن‌جا که (فراغ / فراق) ای گزید / رخت خود از باغ به راغی کشید

۱۶۱. واژه‌هایی که املاي نادرستی دارند را بیابید و شکل درست آن‌ها را بنویسید.

- الف) اگر لطفش قرین حال گردد / همه ادب‌ها اغبال گردد  
ب) آن‌گاه آگاه شدند که غرقه خواست شد. بانگ و هزاهز و قریو برخاست.  
ج) جواد خوان همراه برادران و فرزندانش چندین بار خود را بیرون از حصار به صف آتش دشمن زد.

#### ج) دستور

۱۶۲. روابط معنایی هریک از جفت‌واژه‌های زیر را بررسی کنید.

- الف) سیر و بیزار: ..... ب) خورشید و ماه: ..... ج) حیوان و شغال: .....

۱۶۳. با توجه به هریک از عبارت‌های زیر، موارد خواسته‌شده را بنویسید.

- الف) مراسم کوچکی در آسایشگاه گرفتیم. (جمله مجهول)  
ب) بر همگان مسلّم است که شما جنگاوران سرافراز، شجاعانه و مخلصانه جنگیدید. (جمله پایه و جمله پیرو)  
ج) در این کار از مشاوره با معلّم هم آسایشگاهی‌ام، «عباس درمان» و حاج آقا کرامت شیرازی بهره بردم. (شاخص)  
د) افسر و سرباز ما زمانی از مرزهای وطنمان، خوب پاسداری می‌کنند که فکرشان از جانب میهن و اداره عالمانه ملک ایمن باشد. (ترکیب وصفی)

### قلمرو ادبی

#### الف) معنی و مفهوم

۱۶۴. هریک از موارد «الف» با کدام آرایه ذکر شده در ستون «ب» مرتبط است؟ (در ستون «ب» یک مورد اضافه است)

الف	ب
۱) در ایران آن روز دو دربار بود؛ دربار بزم و دربار رزم.	استعاره
۲) ای سبحان الله! زری که سلطان محمود به غزو از بتخانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد... قاضی همی‌نستند!	متضاد
۳) فرومی‌ریخت گردی زعفران‌رنگ / به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران	جناس
۴) بگیر ای جوان دست درویش پیر / نه خود را بیفکن که دستم بگیر	تلمیح
	مجاز

۱۶۵. «کنایه» را در بیت زیر بیابید و مفهوم آن را بنویسید.

«ز رخسارش فرو می‌ریخت اشکی بنای زندگی بر آب می‌دید»

۱۶۶. «تشبیه» و «ارکان تشبیه» را در عبارت زیر مشخص کنید.

«یکی از شب‌ها با خیانت گروهی از شهر، راه برجی به روی محاصره‌گران باز شد و به‌دنبال آن، سپاه روس مثل مور و ملخ در پهنه شهر پراکنده شدند.»

(ب) مفاظ شاعر

۱۶۷. ابیات زیر را کامل کنید.

الف) دید یکی عرصه به دامان کوه  
ب) نادره کبکی به جمال تمام  
ج) هم حرکاتش .....

قلمرو فکری

الف) معنی و مفهوم

۱۶۸. معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به فارسی روان بنویسید.

الف) این مور را ببینید که [بار] به این گرانی چون می‌کشد؟  
ب) و امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد.  
ج) بونصر را بگوی که امروز دُرستم و در این دو سه روز بار داده آید.

۱۶۹. معنی و مفهوم ابیات زیر را به فارسی روان بنویسید.

الف) به پاس هر وجب خاکی از این مُلک  
ب) زنخدان فروبرد چندی به جیب  
ج) چه بسیار است آن سرها که رفته!  
د) که بخشنده، روزی فرستد ز غیب

(ب) درک مطلب

۱۷۰. مفهوم عبارت‌های کنایی زیر را بنویسید.

الف) در احسان گشودن: .....  
ب) فراخ‌تر زیستن: .....  
ج) بر قدم کسی قدم کشیدن: .....  
د) در هم رفتن چهره: .....

۱۷۱. بیت زیر چه ویژگی شخصیتی را توصیه می‌کند؟

«چون شیر به خود سپه‌شکن باش  
فرزند خصال خویشتن باش»

۱۷۲. با توجه به بیت زیر، صحنه نبرد جلال‌الدین با سپاهیان مغول چگونه بود؟

«ولی چندان که برگ از شاخه می‌ریخت  
دو چندان می‌شکفت و برگ می‌کرد»

۱۷۳. با توجه به متن زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌ها را مشخص کنید.

«این صلت فخر است. پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد و نگویم که مرا سخت دریابست نیست؛ اما چون به آن‌چه دارم و اندک است، قانعم، وزر و وِبال این، چه به کار آید؟»  
الف) قاضی، گرفتن پاداش سلطان را مایه افتخار می‌داند.  
ب) دلیل رد کردن پاداش‌های سلطان از سوی قاضی، بی‌نیازی او بود.  
ج) قاضی، پذیرفتن اموالی که از جنگ‌های هند به دست آمده را جایز می‌داند.  
د) قناعت و پابندی به اعتقادات از ویژگی‌های بارز قاضی بُست بود.



### قلمرو زبانی

#### الف) معنی واژگان

۱۷۴. معنی کدام واژه نادرست است؟  
 (۱) تیره‌رایی: گمراهی (۲) جیب: گریبان  
 (۳) ادبار: خوشبختی (۴) روضه: باغ
۱۷۵. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- (۱) در آن سیماب‌گون امواج لرزان  
 خیال تازه‌ای در خواب می‌دید  
 (۲) زرخدان فرورد چندی به جیب  
 (۳) بانگ و هزاهز و غریو خاست.  
 (۴) ماند غرامت‌زده از کار خویش  
 (۵) دربار از درون در تب و تاب و التهاب بود.

#### ب) املاي واژگان

۱۷۶. با توجه به عبارات زیر، املاي مناسب واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.  
 الف) سبیده فردای گنجه با نهیب و (سفیر / صغیر) گلوله‌های توپ روس باز شد.  
 ب) و ما حقّ این نعمت تندرستی که باز یافتیم، لختی (گزارده / گذارده) باشیم.

۱۷۷. در هریک از ابیات و عبارات زیر املاي نادرست را بیابید و اصلاح کنید.

- الف) معیار دوستان دقل روز حاجت است قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب  
 ب) مردان بار ار به نیروی همّت و بازوی همیت کشند نه به قوت تن.  
 ج) تا نزدیک نماز پیشین، از این مهمّات فارق شده بود و خیلناشان گسیل کرده، پس رقعتی نبشت به امیر.

#### ج) دستور

۱۷۸. نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- الف) در آن دریای خون در قرص خورشید غروب آفتاب خویشتن دید  
 ب) گفت من هیچ مستحق نشناسم در بُست.

۱۷۹. کاربرد معنایی واژه «جامه» را در هریک از عبارات زیر بررسی کنید و بنویسید که تفاوت معنایی آن در دو عبارت، از چه طریقی قابل فهم است؟  
 الف) جامه‌ها افگندند و شرعی بر وی کشیدند.  
 ب) جامه‌ها بگردانید و تر و تباه شده بود.

۱۸۰. شکل مجهول فعل در جمله «آن‌ها هر روز کلاس را در حیاط مدرسه برگزار می‌کنند.» کدام است؟  
 (۱) برگزار می‌شود (۲) برگزار شده است (۳) برگزار می‌شوند (۴) برگزار خواهد شد

۱۸۱. بیت زیر را از شیوه بلاغی به شیوه معیار بازگردانید.

- «در آن تاریک شب می‌گشت پنهان فروغ خرگه خوارزمشاهی»

### قلمرو ادبی

#### الف) معنی و مفهوم

۱۸۲. کنایه و تشبیه را در بیت زیر مشخص کنید.

- «در آن سیماب‌گون امواج لرزان خیال تازه‌ای در خواب می‌دید»



## قلمرو زبانی

## الف) معنی واژگان

۳۷۶. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- (۱) حق تعالی چون اصناف موجودات می‌آفرید، وسائط گوناگون در هر مقام، بر کار کرد.  
 (۲) خاله‌ام با همه تمکینی که داشت به زندگی درویشانه‌ای قناعت کرده بود.  
 (۳) به ترانه‌های شیرین، به بهانه‌های زرّین بکشید سوی خانه، مه خوب خوش‌لقا را  
 (۴) هر روز خنیده‌نام‌تر گشت در شیفتگی تمام‌تر گشت  
 (۵) ز مستی بر سر هر قطعه زین خاک خدا داند چه افسرها که رفته

## ب) املاي واژگان

۳۷۷. با توجه به ابیات و عبارات زیر، املاي مناسب هر مورد را از داخل کمانک انتخاب کنید.

- الف) نادره کبکی به جمال تمام شاهد آن (روزه / روضه) فیروزه‌فام  
 ب) ایزد رحمت کرد بسی از نمودن قدرت و (سرو / صور) و شادی‌ای به آن بسیاری تیره شد.

۳۷۸. با توجه به ابیات و عبارات زیر، واژگانی را که املا یا رسم‌الخط نادرست دارند، بیابید و اصلاح کنید.

- الف) نگویم که مرا سخت دربايست نیست امام چون به آنچه دارم و اندک است، قانعم، وذر و وبال این، چه به کار آید؟  
 ب) مشاهده صحنه‌های ناب و توفنده‌گی فرزندان میهن، برای رویارویی با دشمن، عباس جوان را به وجد می‌آورد.  
 ج) رفیقی خوش‌خلق و بزله‌گو که عندلیب انجمن و انس ما محسوب می‌شد، از خنده پسرک، شادمان او را صدا زد.  
 د) به هر سار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا

## ج) دستور

۳۷۹. نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- الف) خاله‌ام نیز خوشوقت بود که من نسبت به کلام سعدی علاقه نشان می‌دادم.  
 ب) پدر جلال‌الدین، محمدبن حسین خطیبی، معروف به بهاء‌الدین ولد از دانشمندان روزگار خود بود.

۳۸۰. بیت زیر را از شیوه بلاغی به شیوه معیار بازگردانید.

«برداشته دل ز کار او بخت درماند پدر به کار او سخت»

۳۸۱. هسته و وابسته‌های هر گروه اسمی را در جمله زیر مشخص کنید.

«دکتر خداداد، استاد فلسفه و از دوستان نزدیک آقای تمّتا است.»

۳۸۲. جمله پایه و جمله پیرو را در عبارت زیر مشخص کنید.

«اگر حق تعالی را با این قالب، سر و کاری خواهد بود، در این موضع تواند بود.»

## قلمرو ادبی

## الف) معنی و مفهوم

۳۸۳. بیت زیر را از نظر کاربرد آرایه‌های ادبی بررسی کنید.

«فرزند عزیز را به صد جهد بنشانند چو ماه در یکی مهد»



## قلمرو زبانی

## الف) معنی واژگان

۵۵۰. معنی کدام واژه نادرست نوشته شده است؟  
 (۱) چاووش: اشعار مذهبی (۲) موبد: روحانی زرتشتی (۳) بالبداهه: بدون اندیشه قبلی (۴) متفق: هم‌سو

۵۵۱. با توجه به ابیات و عبارات، معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- (۱) بدیدندش آن‌جا و برخاست غو (۲) تا بوسه‌گاه وادی ایمن برانیم  
 (۳) جلال‌الدین محمد به اصرار مریدان و شاگردان پدر مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت.  
 (۴) گو یا رب از این گزارف‌کاری توفیق دهم به رستگاری  
 (۵) از هر طرف نفر برآمد.

## ب) املاي واژگان

۵۵۲. در هر یک از متن‌های زیر املاي کدام واژه نادرست است؟ شکل درست نوشتاری آن‌ها را بنویسید.

- الف) وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم دل بر عبور از سدّ خوار و خاره بندیم  
 ب) روزی یاران الحاح کردند و مرا به تفرّج بردند؛ ناگاه مردی از کناره‌ای درآمد و نبرد خاست.  
 ج) من نهایت بعد اختیار کردم که غربت را خطر بسیار است.  
 د) روز پنج‌شنبه امیر را تب گرفت؛ تب سوزان و سرصامی افتاد.  
 هـ) چنین قفس‌نه‌سزای چومن خوش‌الحانیست روم به گلشن رزوان که مرغ آن چمنم

## ج) دستور

۵۵۳. با توجه به متن زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

- «گویند در شب آخر که بیماری مولانا سخت شده بود، خویشان و پیوستگان، بسیار نگران و بی‌قرار بودند و سلطان ولد، فرزند مولانا، هر دم بی‌تابانه به بالین پدر می‌آمد و باز از اتاق بیرون می‌رفت.»  
 الف) چند ترکیب وصفی و اضافی دیده می‌شود؟ مشخص کنید.  
 ب) چند واژه نقش تبعی دارند؟ نوع آن‌ها را مشخص کنید. (بدل، معطوف، تکرار)  
 ج) قیدهای به‌کاررفته در این متن را بنویسید.

۵۵۴. بیت زیر را از شیوه بلاغی به شیوه فارسی معیار بازگردانید.

- «یکی بی‌زیان مرد آهن‌گرم ز شاه آتش آید همی بر سرم»

## قلمرو ادبی

## الف) معنی و مفهوم

۵۵۵. کاربرد «مجاز» را در ابیات زیر بررسی کنید.

- الف) چو کاوه برون شد ز درگاه شاه بر او انجمن گشت بازارگاه  
 ب) از آن چرم کاهنگران پشت پای بپوشند هنگام زخم درای

۵۵۶. آرایه‌های بیت زیر را بنویسید. (حداقل سه مورد)

- «چو شیر خدا راند بر خصم تیغ به سر کوفت شیطان دو دست دریغ»





## قلمرو زبانی

## الف) معنی واژگان

۷۱۶. معنی کدام واژه نادرست ذکر شده است؟  
 (۱) حشر: رستاخیز (۲) مفرح: شاد (۳) ارک: قلعه (۴) اهمال: کوتاهی
۷۱۷. با توجه به ابیات و عبارات، معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.  
 (۱) اعتقاد به بقای خاندان سلطنت دارید و نظام شاهنشاهی را موهبتی الهی می‌دانید.  
 (۲) زاغی در حوالی آن، بر درختی بزرگ گشن خانه داشت.  
 (۳) چنین آن دو ماهر در آداب ضرب ز هم رد نمودند هفتاد حرب  
 (۴) نباشم بدین محضر اندر گوا نه هرگز براندیشم از پادشا  
 (۵) پیوسته به افغان و زاری و بی‌قراری شمس را از هر کوی و برزن، جست‌وجو می‌کرد و نمی‌یافت.

## ب) املاي واژگان

۷۱۸. با توجه به مفهوم، در هریک از عبارات زیر املاي مناسب واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.  
 (۱) اوست که عادل مطلق است و (خوان / خان) عدل خود را بر همگان گسترده.  
 (۲) پیرزن کارش نوحه‌سرایي برای زنان بود و (روزه / روضه) می‌خواند.  
 (۳) و حالی (نواب / صواب) آن باشد که جمله به طریق تعاون قوئی کنید تا دام از جای برگیریم.
۷۱۹. املاي نادرست را در ابیات و عبارات زیر بیابید و اصلاح کنید.  
 (۱) صداها و نعره‌های درهم شترهای حامل زنبورک، قاطرهای بارکش و اسب‌ها با آهنگ طبل‌ها درمی‌آمیخت.  
 (۲) بونصر را بگوی که زرهاست که پدر ما از قزو هندوستان آورده و حلال‌تر مال‌هاست.  
 (۳) صیّاد گرازان به‌تگ ایستاد تا ایشان را در طبط آورد و کبوتران اضطرابی می‌کردند.

## ج) دستور

۷۲۰. در کدام جمله شناسه فعل به قرینه حذف شده است؟  
 الف) شیران غزیدند و به‌اتفاق آهو را رهانید.  
 ب) مرا بدین ملامت نباید کرد که من ریاست این کبوتران تکفل کرده‌ام.
۷۲۱. گروه‌های اسمی به‌کاررفته در عبارت زیر و وابسته‌های پسین آن‌ها را (با ذکر نوع) مشخص کنید.  
 «تا آن روزها که کلاس هشتم بودم، خیال می‌کردم، عینک، مثل تعلیمی و کراوات یک چیز فرنگی‌مآبی است.»
۷۲۲. نقش واژه «خندان» را در دو عبارت زیر بررسی کنید.  
 الف) بهار، خندان از راه می‌رسد و باغچه‌های غفلت را بیدار می‌کند.  
 ب) کسی که با زندگی‌اش بیگانه بود، امروز به لطف این کتاب، خندان است.
۷۲۳. هریک از موارد «الف» با توجه به زمان فعل آن با کدام مورد در گروه «ب» مرتبط است؟ (یک مورد در گروه «ب» اضافه است).

ب	الف
ماضی نقلی	۱- پرتو آفتاب، مانند طلا روی امواج دریا می‌درخشید.
ماضی التزامی	۲- هر کدام از ما، یک برگ از این شکوفه را میان اوراق کتابی به یادگار، ضبط کنیم.
ماضی استمراری	۳- یاران مولانا، پز مردگی و دل‌تنگی او را در غیبت شمس دیده بودند.
مضارع اخباری	۴- خاک در کمال مدلت و خواری با حضرت عزت و کبریایی، چندین ناز می‌کند.
ماضی ساده	



## قلمرو زبانی

(الف) معنی واژگان

۷۵۴. معنی کدام واژه نادرست است؟

(۱) راغ: صحرا (۲) نژند: زیون (۳) متواتر: پی‌درپی (۴) شماتت: دشنام

۷۵۵. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- (۱) موقع را مغتنم شمردم
- (۲) تا نظر او از ما منقطع گردد، نومید و خایب باز گردد.
- (۳) علم در همه بایی لایق است و عالم در آن باب بر همه فایق.
- (۴) خاک ذلیل را از حضرت عزّت به چندین اعزاز می‌خوانند.
- (۵) سپیده فردای گنجه با نهیب و صفیر گلوله‌های توپ روس باز شد.

(ب) املاي واژگان

۷۵۶. با توجه به هر بیت یا عبارت، املاي درست واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید.

(الف) هم‌سنگران و یاران عزیز، (غرض، قرض) از گردهمایی امروز، بیان نکته‌هایی مهم است.  
(ب) و از تجارت برای دفع حوادث (صلاح، سلاح)ها توان ساخت.

۷۵۷. در عبارات زیر، نادرستی‌های املاي یا رسم‌الخطی را بیابید و اصلاح کنید.

- (الف) زادالمعاد و کتاب دعا و کتاب جودی و هر چه از این کتب تعزیه و مرصیه بود، همراه داشت.
- (ب) هر عصب و فکر به منع بی‌شاعیه ایمان وصل بود که خوب و بد را به‌عنوان مشیت الهی می‌پذیرفت.
- (ج) با وجود پایداری مردم، سرسپردگی از دشمنان خانگی سبب شد دروازه بخش‌های وسیعی از قفقاز به روی دشمن باز شود.
- (د) و امید شگبیر برنشست و به کران دور هیرمند رفت با بازان و یوزان و حشم و ندیمان و مطربان.

(ج) دستور

۷۵۸. در سروده زیر، نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

«از شعله / به‌خاطر روشنایی‌اش / سپاسگزاری کن / اما چراغدان را هم / که همیشه صبورانه در سایه می‌ایستد، از یاد مبر»

۷۵۹. با توجه به عبارت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

- «همین که شاگردان به عقب نگرستند و عینک مرا با توصیفی که از آن شد، دیدند؛ یک‌مرتبه گویی زلزله آمد و کوه شکست. صدای مهیب خنده آنان کلاس و مدرسه را تکان داد. هر و هر تمام شاگردان به قهقهه افتادند.»
- (۱) در متن بالا چند «ترکیب اضافی» و چند «ترکیب وصفی» دیده می‌شود؟ مشخص کنید.
  - (۲) نقش تبعی و نوع آن را مشخص کنید.
  - (۳) جمله پایه و جمله پیرو را مشخص کنید.
  - (۴) جمله مشخص شده را مجهول کنید.

## قلمرو ادبی

(الف) معنی و مفهوم

۷۶۰. در عبارت زیر «استعاره» را بیابید.

«چون او را در بندِ بلا بسته دید، زه‌آبِ دیدگان بگشاد و بر رخسار جوی‌ها براند.»

۷۶۱. آرایه‌های به‌کاررفته در بیت زیر را مشخص کنید.

«چو آن آهنین کوه آمد به دشت همه رزمگه کوه فولاد گشت»



# پاسخنامہ تشریحی

۶۸. **گزینه (۱)** - شاعر خود را به گل تشبیه کرده است. «حرف» مجاز از «سخن» است و «باغ» استعاره از «جهان». «گوش افکندن» کنایه از به وقت گوش دادن و «راه به جایی بردن» نیز کنایه از به نتیجه رسیدن است.

**قلمرو فکری (قرابت معنایی)**

۶۹. **گزینه (۳)** - راوی این بخش از متن تاریخ بیهقی «ابوالفضل بیهقی» است، او خود مستقیماً در جریان برخی از رویدادهای زمان غزنویان بوده و آن‌ها را در خود (تاریخ بیهقی) نقل کرده است.

۷۰. **گزینه (۱)** - گزینه‌های ۲ و ۳ به‌خاطر این نادرست‌اند که بیهقی خودش می‌گوید من تا زمانی که نامه‌های پسران علی تکین آمد «امیر را هیچ ندیدمی». علت نادرستی گزینه ۴ هم این است که بونصر نامه‌هایی را که مطلب ناراحت‌کننده‌ای نداشتند، خلاصه می‌کرد، نه این که خط می‌کشید؛ اما مفهومی که در گزینه ۱ آمده از متن «من (نامه‌ها) را به آجاجی خادم می‌دادم و خیرخیر جواب می‌آوردم» دریافت می‌شود.

۷۱. **گزینه (۱)** - این کارها برای کم کردن (تخفیف) تب امیرمسعود انجام گرفته بود. (برده‌های کتان را تر کرده‌اند و آویخته‌اند، با کمی وزش نسیم از لابه‌لای آن‌ها هوا خنک می‌شد. «کولر» آبی بدون مصرف برق!)

۷۲. **گزینه (۲)** - «امروز درستم» یعنی امروز سالم و تندرست هستم (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴): «بار داده آید» یعنی اجازه ملاقات داده خواهد شد (می‌دهم) (ردّ گزینه ۱): «علت» مرض؛ «تمامی»: به‌تمامی، کاملاً؛ «زایل شد»: برطرف شد

۷۳. **گزینه (۴)** - منشی باکفایت (دبیر کافی) شادمانه (به‌نشاط) شروع به نوشتن کرد (قلم درنهاد؛ تا هنگام نماز ظهر (نزدیک نماز پیشین) از عهده همه امور خطیر (از این مهمات) برآمد (فارغ شده بود؛ نوکران و چاکران (خیلتانسان) را برای مأموریتی روانه کرد (گسیل کرده). تا این‌جا درستی ۳ گزینه را دیدیم؛ اما گزینه ۴: رفعتی نوشت به امیر و هرچه کرده بود باز نمود و مرا داد: نامه‌ای برای امیر نوشت و کارهایی که کرده بود را برای او شرح داد و [آن نامه را] به من داد.

۷۴. **گزینه (۲)** - عبارت «و نگویم که مرا سخت دریاست نیست» نشان می‌دهد که قاضی به آن مال بسیار نیازمند بود؛ اما نپذیرفتنش دلیل دیگری داشت. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: «چون به آنچه دارم و اندک است قانعم ...»؛ استرداد صله به‌دلیل خرسندی به کم دنیا، گزینه ۳: «این صلت فخر است، پذیرفتم و بازادم»، قبول صله با سپاس و استرداد آن، گزینه ۴: «و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد»؛ پذیرفتن و بازدادن به‌علت تردید در حلال بودن مال.

۷۵. **گزینه (۲)** - اگر دقت کنید مفهوم سه گزینه اول قناعت و بلندهمتی است. عقلاً، نهنگ دریا و عقاب خود را خوار و کوچک نمی‌کنند؛ اما در گزینه ۴ مفهوم اصلی این است که با توانا تر از خود درافتادن، نشانه حماقت و نادانی است. (سرزنش درافتادن با نیرومندتر از خود)

۷۶. **گزینه (۲)** - عبارت سؤال را برای خود خلاصه کنید: «ای سبحان‌الله! زری که ... آن قاضی همی نستاند؟» پس بونصر از این تعجب می‌کند که قاضی طلاها را نپذیرفت؛ طلاهایی که ... (قسمتی که در عبارت متن حذف کردیم و ویژگی آن طلاها بود: «سبحان‌الله» که برای آن‌ها گفته نمی‌شود، می‌شود؟)

۷۷. **گزینه (۴)** - مفهوم عبارت سؤال قناعت کردن به داشته‌ها و بسنده کردن به آن‌هاست که در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ نیز به‌گونه‌ای دیده می‌شود؛ اما در مفهوم گزینه ۴ نوعی ناچاری و ضرورت نیز دیده می‌شود؛ قناعت و سازگاری می‌کنم؛ زیرا چاره دیگری ندارم.

۷۸. **گزینه (۲)** - در سه گزینه اول دلیل شخصی برای پرهیز از تنعم و پذیرفتن صله قانع‌بودن به داشته‌هاست؛ اما در گزینه ۴ تردید در حلال یا حرام بودن صله علت نپذیرفتن آن است.

۷۹. **گزینه (۲)** - مفهوم این گزینه تأثیرنداشتن تربیت در ذات ناهلان است (= تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است)؛ اما در سایر گزینه‌ها نکوهش تقلیدهای کورکورانه دیده می‌شود.

۸۰. **گزینه (۳)** - در این گزینه «خودپسندی» نکوهیده شده است؛ اما سایر گزینه‌ها به کورکورانه تقلید نکردن توصیه می‌کنند.

۸۱. **گزینه (۲)** - در این گزینه «طوطی‌صفت» به تقلید اشاره دارد؛ در مصراع دوم نیز شاعر می‌گوید پیرو گفته‌های استاد ازل سخن می‌گویم (از او پیروی می‌کنم)؛ اما در سایر گزینه‌ها مفهوم «دعوت به نوآوری و پرهیز از تقلید» دیده می‌شود؛ گزینه ۱: در بند همراه و همسفر نباش؛ زیرا خورشید هم به خاطر تک‌روی به جایگاه بالایی رسیده است. گزینه ۳: هر چه کنی تازه کن، تن به تبع (پیروی) نده (خودت نوآوری کن و از دیگران تقلید نکن). گزینه ۴: اگر قرار بود هر کسی با تقلید از دیگران مثل آن‌ها به کمال برسد، هر کسی داخل خم بنشیند، باید افلاطون شود. (افلاطون کسی بود که در نهایت قناعت و ساده‌زیستی زندگی می‌کرد، او داخل یک خمره سکونت گزیده بود).

۸۲. **گزینه (۴)** - مفهوم بیت سؤال رسیدگی به حساب اعمال خود در این دنیا است که در گزینه ۴ نیز دیده می‌شود؛ مفهوم سایر گزینه‌ها: گزینه ۱: کسی که به کمال می‌رسد ارج می‌یابد. (مانند ذره که به خورشید می‌رسد)، گزینه ۲: عمر با برکت و شادمان‌بودن ممدوح (نظامی در مدح پادشاه می‌گوید)، گزینه ۳: حیرت همگان از زیبایی معشوق معنی بیت گزینه ۳: شیعه و سنی در صف محشر، وقتی تو وارد شوی، حیران خواهند ماند.

**درس سوم**

**قلمرو زبانی؛ الف واژگان و املا**

۸۳. **گزینه (۴)** - در بیت «الف» و بیت «د» «گشتن» به معنای اسنادی خود (معادل «شدن») به کار رفته است؛ «گشتن» معانی دیگری هم دارد؛ مثل: چرخیدن ← ای نور چشم مستان در عین انتظار / چنگی حزین و جامی بنواز یا بگردان

تغییر و تبدل ← مژده دادند که بر ما گذری خواهی کرد / تبت خیر مگردان که مبارک فالیبست

گردش کردن ← گهی در کوی بیماران چو چالینوس می‌گردد / گهی بر شکل بیماران به حیلت زار می‌آید (در بیت «ب» نیز به همین معنی است).

جست‌وجو کردن ← بی‌تو مهتاب / شبی باز از آن کوچه گذشتم / همه تن چشم شدم خیره به دنبال تو گشتم (در بیت «ج» نیز همین معنی به کار رفته است).

۸۴. **گزینه (۳)** - معنی همه واژه‌ها صحیح است، جز این که در گزینه ۴ واژه «پاس» اشتباه معنی شده است: «پاس» یعنی نگهداری و نگهبانی (نه نگهبان).

۸۵. **گزینه (۳)** - اگر این‌گونه تست‌های لغت را با ردّ گزینه پاسخ دهید، راحت‌ترید؛ در گزینه ۱ واژه «خرگه» نادرست معنی شده است. گروه معنی واژه «جرگه» است.

در گزینه ۲ واژه‌های «شفق» و «عافیت» درست معنی نشده‌اند؛ «شفق» یعنی سرخی هنگام غروب آفتاب، نه هنگام طلوع، «عافیت» هم به معنی تندرستی صحیح است، نه تندرست.

در گزینه ۴ نیز زمره از معانی واژه «جرگه» است و ارتباطی با «خرگه» ندارد.

۸۶. **گزینه (۱)** - در گزینه ۲ واژه «افسر» درست معنی نشده. (کلاه‌خود به معنی کلاه سربازان است). در گزینه ۳ همه واژه‌ها درست معنی شده‌اند. به‌جز واژه «نامور» که به معنی معروف و مشهور است. در گزینه ۴ نیز «قرص» نادرست معنی شده (معنی درست آن را در سه گزینه دیگر دیدیم)؛ همچنین معنی «افسر» در این گزینه اشتباه است. [سایر معنی‌ها را با خیال راحت یاد بگیرید.]

۸۷. **گزینه (۳)** - «باره»: اسب (بادبا هم در بیت «هم» به معنی اسب به کار رفته است)؛ «ژرف»: عمیق، بی‌پایان؛ «عظیم» معنی واژه گران است؛ «ترگ» و «خود» هر دو به معنی کلاه‌خود و تاج معنی واژه «افسر» است. به این نکته هم دقت کنید که برخی واژه‌ها چند معنی دارند؛ اما منظور این سؤال آن معنایی است که معادلش در ابیات باشد؛ برای مثال «افسر» به معنی صاحب‌منصب نیز هست؛ اما در این ابیات فقط معادل «تاج» است.

۸۸. **گزینه (۴)** - در این متن تنها املائی واژه «غدر» (جفا) نادرست است که با توجه به مفهوم جمله باید به‌شکل «قدر» (ارزش-ارجمندی) نوشته شود. سایر واژه‌های مهم املائی: صواب (راه درست؛ ثواب؛ پاداش)، لایق (سزاوار)، معالجت (هم‌خانواده علاج، به معنی درمان کردن) التفات (توجه)، طبیب (هم‌خانواده طب، طبابت)، توفیق (هم‌خانواده وفق)، مشقت (سختی) خلاص (رهايي، آزادی)، اطلاق (هم‌خانواده مطلق)، مستحکم (هم‌خانواده استحکام)



و تا وقتی در گزینه‌های دیگر می‌توانیم مجاز بیابیم، نباید استعاره را مجاز بر اساس رابطه تشبیهی بدانیم.

**گزینه (۱):** در گزینه ۲ «لعبت چالاک» استعاره از معشوق است. در گزینه ۳ «فتنه ایام» اضافه استعاری است (فتنه کردن به ایام نسبت داده شده). در گزینه ۴ نیز «دامن آفاق» اضافه استعاری است؛ اما در گزینه ۱ استعاره دیده نمی‌شود.

**گزینه (۱):** در این گزینه سه رابطه تضاد وجود دارد: (۱) زیر و بالا (۲) شیرین و تلخ (۳) پرسش و جواب  
**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه ۲: «درد و درمان»، «زخم و مرهم» / گزینه ۳: «شکر و زهر»، «وصل و جدایی» / گزینه ۴: «هستی و مرگ»

**گزینه (۳):** گزینه ۱: «سینه‌مالان» کنایه از آهسته است و «سینه‌مالان رفتن خورشید» تشخیص و استعاره محسوب می‌شود. گزینه ۲: «سد روان» تناقض (بارادوکس) است و «موج» به «نیش» تشبیه شده است. گزینه ۴: هم «[تو] چو نخل باش» و «[تو] چو سرو باش» هر دو تشبیه هستند؛ «دست» نیز مجاز از قدرت و توانایی است. اما در گزینه ۳ «در» و «سر» جناس ناهمسان را می‌سازند؛ ولی استعاره در آن دیده نمی‌شود.

**گزینه (۲):** در همه گزینه‌ها ۴ تشبیه به کار رفته؛ اما در گزینه ۲ دو تشبیه وجود دارد.

**بررسی تشبیه‌ها در گزینه‌ها:** ۱: سرورفتار، صنوبر قامت، ماه‌رخسار و ملایک‌منظر از تشبیه‌های درون‌واژه‌ای هستند. (یعنی یک واژه مرکب یا وندی - مرکب که یک جزء آن مشبه و جزء دیگر مشبه‌به است). ۳: همای فر (کسی که فرّ و شکوهی مانند همای دارد)، «طلای حُسن»، طوطی نطق (کسی که مانند طوطی خوش‌سخن است)، «تو» مانند «تذرو» راه می‌روی. (تذرو رفتار). ۴: بنفشه زلف، نسرین‌تر، سمن‌بو تشبیه‌های درون‌واژه‌ای هستند و در مصراع دوم تشبیه پنهان دیده می‌شود؛ زیبایی تو برای ماه بازار نگذاشته و بازار ماه را شکسته است. (تو مانند ماه، بلکه زیباتری).

**گزینه (۳):** در بیت «الف» آرایه‌های مجاز، کنایه و تضاد دیده می‌شود: خرگه مجاز از قدرت و شاهی؛ «پنهان‌شدن فروغ خوارزمشاهی» کنایه از افول قدرت خوارزمشاهیان، تاریک و فروغ نیز تضاد دارند.

در بیت «د» نیز همین آرایه‌ها دیده می‌شود: «جهان» مجاز از مردم ایران یا خود ایران؛ «در خون نشستن» کنایه از نابودی و شکست، شب و سپیده‌دم نیز متضاد هستند.

**بررسی آرایه‌های سایر ابیات:** بیت «ب»: رخسار و اشک تناسب دارند؛ «بنای زندگی» اضافه تشبیهی است (اضافه استعاری هم بگوئیم نادرست نیست)، «بنای چیزی را در آب دیدن» کنایه از پی بردن به زوال و نابودی آن. بیت «ج»: «خوناب شفق» اضافه تشبیهی؛ «دامن شام» تشخیص و استعاره.

**گزینه (۳):** در گزینه ۱ «چو» به معنی «وقتی که» است و ادات تشبیه نیست؛ اضافه تشبیهی نیز در بیت دیده نمی‌شود. «باده‌پیما» و «بادپیما» را می‌توان جناس ناهمسان (افزایشی) دانست؛ اما جناس همسان در این بیت دیده نمی‌شود. تکرار مصوت «ا» آرایه واج‌آرایی را در این بیت به وجود آورده است. در گزینه ۲ تکرار صامت «س» در مصراع دوم واج‌آرایی است. «لاله‌صفت» نیز تشبیه است. (شاعر خود را به لاله تشبیه کرده است). بین واژه‌های «سودا» و «سودا» نه تنها جناس همسان، بلکه جناس ناهمسان نیز وجود ندارد؛ زیرا اختلاف آن‌ها بیش از یک واج است. سودا - سویدا: تناسب هم در این بیت وجود ندارد. در گزینه ۴ «آفتاب‌رو» اضافه تشبیهی است؛ واج‌آرایی با تکرار واج‌های «ا» و «ه» ساخته شده، آفتاب و ماه تناسب دارند؛ اما جناس همسان در این بیت دیده نمی‌شود. (ماه، راه: جناس ناهمسان) - (ماه- ماه: تکرار)

**بررسی آرایه‌ها در بیت ۳:** واج‌آرایی، تکرار مصوت «و» و صامت «ک» جناس همسان، کوفته در مصراع اول به معنی نوعی غذا و در آغاز مصراع دوم به معنی «خسته» است؛ پس جناس همسان را می‌سازد (کوفته سوم هم به معنی نوعی غذا است). / در بیت ۴ «کوفته» به معنی کوبیده، ضربه‌زده است.

**گزینه (۲):** در این گزینه واژه‌های «حسد»، «منصب» و «وصال» ارزش املائی دارند و هر سه با توجه به معنی بیت درست نوشته شده‌اند؛ اما در سایر گزینه‌ها: در گزینه ۱ غرس (کاشتن نهال) مناسب بیت نیست و با توجه به «خورشید» املائی درست آن «قُرس» است، در گزینه ۲ نیز واژه «فروق» املائی درستی ندارد و باید به شکل «فروق» نوشته شود. در گزینه ۳ واژه «سمر» (افسانه) مناسب معنی بیت نیست و با توجه به واژه «درخت» باید به شکل «ثمر» (میوه) نوشته شود.

**گزینه (۱):** در این گزینه واژه‌های «بیت‌الأحزان»، «جیحون» و «فواره» ارزش املائی دارند؛ اما درست نوشته شده‌اند. در گزینه ۲ با توجه به مفهوم جمله، «قدر» به معنی ارزش و اندازه مناسب نیست و باید به شکل غدر (به معنی جفا، ستم) نوشته شود. در گزینه ۳ «آزاده‌گان» از نظر رسم‌الخطی درست نیست و باید به شکل «آزادگان» نوشته شود. وقتی به واژه «آزاده» علامت جمع «ان» اضافه می‌شود، به جای «ه» پیش از علامت جمع «گ» میانجی نوشته می‌شود. (از اول هم «ه» در تلفظ این واژه نبود و فقط برای نشان دادن صدای «ب» نوشته می‌شد). در گزینه ۴ «خاست» به معنی بلند شد و برخاست مناسب نیست. املائی درست و مناسب، با توجه به مفهوم جمله، «خواست» به معنی «طلب کرد» است. **واژه‌های مهم املائی:** عفو (بخشش)، اغماض (چشم پوشیدن)، کراهیت (هم‌خانواده اکراه)، مثال (دستور)، اعتماد (هم‌خانواده معتمد)، صفت، آثار (جمع اثر)، نجابت (هم‌خانواده نجیب)، کریمه (مؤنث کریم)، خطبه (هم‌خانواده خطاب، مخاطب)

## ب) دستور زبان

**گزینه (۲):** در این گزینه «غروب» هسته گروه اسمی «غروب آفتاب خویشتن» است و این گروه اسمی نقش مفعولی دارد؛ پس می‌توانیم بگوئیم «غروب» مفعول است. (چه چیز را دید؟ غروب را)

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱: چه چیز نهان می‌گشت؟ روی روشن روز جمله درباره «روی روشن روز» است؛ پس این گروه اسمی «نهان» است. ۲: «دیده» و «شاه» هر دو اسم هستند و به هم اضافه شده‌اند؛ پس «شاه» مضاف‌الیه است. ۳: «می‌گشت» فعل اسنادی و «پنهان» مسند است.

**گزینه (۳):** در گزینه ۱ «قرص خورشید» نهاد است؛ زیرا «نهان می‌گشت» درباره قرص خورشید گفته شده است. در گزینه ۲ «فروغ خرگه خوارزمشاهی» نهاد و مصراع اول گزاره آن است. در گزینه ۳ «جلال‌الدین» نهاد جمله و محذوف است. در گزینه ۴ جمله درباره «اخترهای انبوه» است.

**گزینه (۱):** نشانه «را» گاهی نشانه فک اضافه است، گاهی نشانه مفعولی است و گاهی به جای حروف اضافه دیگر به کار می‌رود. گاهی هم مفعول بدون این نشانه می‌آید؛ پس فریب ظاهر آن را نخورید و برای پیدا کردن مفعول بپرسید: «چه کسی را؟» و «چه چیزی را» + فعل.

در گزینه ۱: «را» به جای «از» به کار رفته و نشانه مفعولی نیست. مفعول در گزینه ۲ و ۴ بدون نشانه «را» به کار رفته؛ اما درست مشخص شده است.

**گزینه (۲):** در گزینه ۱ «دوشادوش» حالتی را بیان می‌کند. در گزینه ۳ «چند روز مانده به عید» زمان آغاز زندگی مشترک را بیان می‌کند و در گزینه ۴ تکرار واژه «بدو» حالت «آمدن» را مشخص کرده است؛ اما در گزینه ۲ واژه‌ای که این ویژگی‌ها را داشته باشد، دیده نمی‌شود. در این گزینه «شب» اسم است و «مضاف‌الیه» واقع شده است.

**گزینه (۲):** «خروشان»، «ژرف»، «بی‌پهنا» و «کف آلود» هر کدام حالت «پیش رفتن رود سند» را بیان می‌کنند و قید هستند. در این بیت «شب» مضاف‌الیه و «پیش» جزء فعل است و نباید آن‌ها را قید به حساب آورد («پیش رفتن» فعل مرکب می‌سازد).

## قلمرو ادبی (آرایه‌های ادبی)

**گزینه (۱):** «دریای خون» استعاره از شفق و «آفتاب» استعاره از عمر است. «غروب آفتاب خود را دیدن» کنایه از به پایان رسیدن عمر و پی بردن به آن است. بین «خورشید، غروب و آفتاب» تناسب هست؛ اما تشبیه در بیت دیده نمی‌شود.

**گزینه (۳):** در این گزینه «افسر» مجاز از «سر» و «جان» کسانی است که در راه وطن فدا شده‌اند. در گزینه ۱ «بادپا» استعاره از «اسب» است